

اظهار نظر کارشناسی درباره:
«طرح سازمان نظام مددکاری اجتماعی جمهوری اسلامی ایران»

مقدمه

طرح سازمان نظام مددکاری اجتماعی جمهوری اسلامی ایران، با هدف ارتقای سطح دانش و مهارت حرفه‌ای مددکاران اجتماعی، حمایت از حقوق صنفی و حرفه‌ای مددکاران اجتماعی و نیز حمایت از حقوق مددجویان و مراجعان به مددکاران اجتماعی توسط جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی ارائه شده است. در ادامه، پیرامون کلیات این طرح توضیحاتی به شرح ذیل ارائه می‌شود:

مشخصات طرح

دوره دهم - سال سوم

شماره ثبت:

۴۲۲

شماره چاپ:

۹۹۷

تاریخ چاپ:

۱۳۹۷/۴/۱۱

توضیحاتی بر کلیات طرح

بررسی وضعیت جامعه و کارویژه نهادهای اجتماعی در حوزه‌های مختلف حاکی از روند رو به رشد و تراکم مسائل و آسیب‌های اجتماعی از جمله فقر، بیکاری، اعتیاد، طلاق، حاشیه‌نشینی، کودکان کار و خیابان و غیره در سطح کشور است. گستردگی، تنوع، چندوجهی بودن و گاه نوپدید بودن مسائل به‌گونه‌ای است که با وجود هزینه کردن منابع انسانی و مالی بسیار و تعدد دستگاه‌های دخیل در این حوزه، تلاش‌ها برای رفع مسائل و نارسایی‌ها ناکارآمد و بی‌نتیجه به نظر می‌رسد و در بسیاری از مسائل نه تنها توفیق چشمگیری حاصل نشده است، بلکه گاه بحران‌های جدی‌تری بروز یافته است. بدیهی است مواجهه با این مشکلات جز با شناخت ریشه‌ای و مداخله صحیح و به‌موقع میسر نخواهد بود. در این رابطه، از جمله افرادی که به‌گونه‌ای محسوس و عملیاتی وظیفه مداخله در آسیب‌های اجتماعی و کاهش عوارض و تبعات آن برای افراد، گروه‌ها و جامعه را برعهده دارند، مددکاران اجتماعی می‌باشند که با توجه به تراکم و روند رو به رشد آسیب‌های اجتماعی در کشور، ساماندهی و نظارت بر کیفیت و عملکرد ایشان امری ضروری و گریزناپذیر می‌نماید. مددکاری اجتماعی حرفه‌ای مبتنی بر دانش، اصول و مهارت‌هاست که هدف از آن ارائه کمک و خدمات به افراد، گروه‌ها و جامعه است تا بتوانند با شناخت و تکیه بر توانایی‌ها و مقدرات خود از پس مسائل و مشکلات فردی و اجتماعی که آنها را تهدید و تضعیف می‌کند، برآیند. به عبارت دیگر، مأموریت مددکاران اجتماعی، توانمندساختن افراد است تا از طریق شناخت و پرورش ظرفیت خود، قدرت و توان لازم جهت تطبیق با شرایط اجتماعی و مقابله با آسیب‌ها و تهدیدات آن را کسب نمایند. بدین منظور یک مددکار حرفه‌ای و کارآمد باید دو دسته از دانش‌ها را به‌طور نظری فرا گیرد:

معاونت پژوهش‌های
اجتماعی - فرهنگی
دفاتر: مطالعات
اجتماعی
مطالعات اقتصاد بخش
عمومی

مشخصات گزارش

شماره مسلسل:

۲۱۰۱۵۹۵۷

تاریخ انتشار:

۱۳۹۷/۴/۲۱

الف) دانش خاص حرفه مددکاری،

ب) دانش عمومی از علوم و دانش‌های دیگر از جمله روانشناسی، جامعه‌شناسی، جرم‌شناسی، کیفرشناسی و مردم‌شناسی.

با این حال، صرف آموزش و معلومات دانشگاهی برای ایفای وظایف حرفه مددکاری کفایت نمی‌کند. همراه با اینها، توانستن هم لازم است. ممکن است کسی در دانش، اهداف و اصول مددکاری مسلط باشد، اما مهارت لازم جهت برقراری ارتباط با مددجو، تشخیص وضعیت و مشکل وی و ارائه کمک و راهکار جهت خروج از آن را نداشته باشد. بنابراین، یک مددکار اجتماعی افزون بر دانش علمی لازم، باید از مهارت کافی نیز برخوردار باشد. به عبارتی، دانش و مهارت، دو لازمه تفکیک‌ناپذیر حرفه مددکاری اجتماعی هستند.

دلیل تأکید بر دانش و مهارت، به‌مثابه دو پیش‌نیاز ضروری جهت حرفه مددکاری، در محیط و بستر فعالیت مددکاری و حالات شخصی مددجویان نهفته است. بستر اصلی فعالیت برای یک مددکار اجتماعی عمدتاً مناطق بحرانی و محورهای آسیب‌دیده و آسیب‌زا در جامعه است. مسئله و آسیب اجتماعی نیز بنابه ماهیت متنوع چندلایه و چندبُعدی آن، در زمره پیچیده‌ترین پدیده‌های اجتماعی قرار دارد. همین امر می‌طلبد مداخله مؤثر به‌ویژه مداخلات از جنس مددکارانه، کاملاً آگاهانه و مبتنی بر شناخت علمی مسئله باشند. افزون بر این، فرد آسیب‌دیده یا در معرض آسیب، به‌دلیل قرار گرفتن در کانون مسائل اجتماعی و فشارهای ناشی از آن، از درجه آسیب‌پذیری و شکنندگی بالاتری نسبت به سایر افراد جامعه برخوردار است، به همین علت کار و تعامل با یک مددجو، ظرافت و مهارت خاص و ویژه‌ای را می‌طلبد. شرایط پیش‌گفته اعم از دانش و مهارت لازم برای حرفه مددکاری و نیز ماهیت پیچیده آسیب‌های اجتماعی و شرایط روحی و رفتاری خاص مددجویان اقتضا می‌کند نهاد یا سازمانی مرجع، صلاحیت افراد شاغل و متقاضی ورود به این حرفه را ارزیابی و مورد تأیید قرار دهد.

در حال حاضر، بیش از ۶۰ سال است که مددکاری اجتماعی به‌صورت علمی در مقاطع مختلف اعم از کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه‌های مختلف کشور از جمله دانشگاه‌های دولتی، آزاد، پیام‌نور و علمی - کاربردی تدریس می‌شود و بیش از ۱۰ هزار نفر فارغ‌التحصیل این رشته هستند و در دستگاه‌های مختلف فعالیت دارند؛ که از جمله می‌توان به وزارتخانه‌های تعاون، کار و رفاه اجتماعی، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، صنعت، معدن و تجارت، وزارت امور اقتصاد و دارایی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت راه و شهرسازی، آموزش و پرورش، دادگستری، سازمان بهزیستی، کمیته امداد، بنیاد شهید و امور ایثارگران، جمعیت هلال احمر، نیروی انتظامی، شهرداری‌ها، ستاد مبارزه با مواد مخدر، قوه قضائیه، سازمان صداوسیما و وزارت کشور اشاره کرد. همچنین افراد شاغل در سازمان‌های غیردولتی نظیر کلینیک‌های مددکاری اجتماعی و مراکز فعال در حوزه‌های مربوط به مسائل و آسیب‌های اجتماعی^۱ عمدتاً از فارغ‌التحصیلان این رشته هستند. با این حال، موارد متعددی نیز وجود دارد که افراد فاقد دانش و مهارت لازم در حرفه مددکاری اجتماعی در پست‌های مرتبط با آن قرار گرفته‌اند. در کل گسترش تعداد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در رشته مددکاری و نیز گستردگی مراکز ارائه خدمات مددکاری اجتماعی در بخش‌های دولتی و غیردولتی از یک طرف، گسترش و انباشت آسیب‌های اجتماعی و نیز افزایش افراد درگیر با آن از طرف دیگر، ایجاب می‌کند برای ساماندهی، مدیریت و نظارت در این زمینه اقدام مؤثری صورت گیرد.

۱. کارتن‌خواب‌ها، بی‌خانمان‌ها، متکدیان، آوارگان و پناهندگان، زنان سرپرست خانوار، کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست، کودکان خیابانی، کودکان کار، خانواده‌های نیازمند، افراد در معرض آسیب و آسیب‌های اجتماعی (فراق، اقدام به خودکشی، طلاق)، روسپیگری، خشونت خانگی (کودک‌آزاری، سالمندآزاری، همسرآزاری، معلول‌آزاری)، خشونت‌های اجتماعی، مجرمان، بزهکاران، پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، پیشگیری از جرائم، بیماران (روانی، مبتلا به اچ‌آی‌وی و ایدز)، افراد دارای اختلال هویت جنسی، افراد دارای اختلافات خانوادگی، بازماندگان سوانح و حوادث طبیعی و انسان‌ساز، افراد نیازمند خدمات مشاوره‌های اجتماعی توسط مددکاران اجتماعی.

با وجود ضرورت فوق، باید توجه داشت الگوی نظام حرفه‌ای موجود در کشور با استناد به موارد تجربه شده همچون سازمان نظام پزشکی، سازمان نظام مهندسی و... به‌ویژه در زمینه نظارت کارآمد بر عملکرد حرفه‌ای اعضا و نیز نمایندگی حقوق و مطالبات گروه‌های مراجعه‌کننده، تجربه چندان موفق و قابل دفاعی نبوده است. به‌گونه‌ای که کارآمدی آنها در بسیاری از موارد محل تردید و مناقشه است؛ طرح پیش‌رو نیز برگرفته و اقتباسی از الگوی نظام حرفه‌ای موجود است و در این رابطه خلاقیت و نوآوری قابل ملاحظه‌ای در راستای رفع و پوشش کاستی‌ها و نقایص الگوی موجود در آن دیده نمی‌شود. لذا ترجیح این مرکز در درجه اول ارائه الگوی کارآمد و عاری از کاستی‌ها و مسائل الگوی نظام حرفه‌ای موجود است. در صورتی که ترجیح و اجماع موجود مبنی بر واگذاری امور به صاحبان حرف در چارچوب الگوی نظام حرفه‌ای موجود است، توصیه می‌شود در واگذاری اختیارات به آنها به‌ویژه در زمینه نظارت که امری حاکمیتی است دقت و تأمل لازم به عمل آید.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث فوق به‌ویژه مواردی چون؛ تراکم و روند روبه رشد مسائل اجتماعی در کشور، ضرورت دارا بودن دانش و مهارت تخصصی جهت اشتغال در حرفه مددکاری اجتماعی، وجود جمعیتی بالغ بر ۱۵ هزار فارغ‌التحصیل و دانشجوی مددکاری اجتماعی در کشور، تعدد مراکز ارائه خدمات مددکاری اجتماعی در دو بخش دولتی و خصوصی و ...، ساماندهی و نظارت بر عملکرد مددکاران اجتماعی امری لازم و ضروری است. لکن واگذاری این امور در قالب الگوی نظام حرفه‌ای موجود با توجه به مسائل و مشکلات آن نیازمند بررسی بیشتر است. در این رابطه، در صورت امکان باید الگوی نظام حرفه‌ای موجود مورد آسیب‌شناسی قرار گرفته تا بتواند ضمن رفع مشکلات آن از قابلیت انطباق با حوزه‌های مورد نظر نظیر سازمان نظام مددکاری اجتماعی برخوردار باشد. به اعتقاد اکثر صاحب‌نظران و متخصصان این حوزه این نظام در حال حاضر از چنین ظرفیتی برخوردار نیست. در صورت عدم رفع مشکلات و مسائل حاکم بر الگوی نظام حرفه‌ای موجود، طرح حاضر برای آنکه بتواند اهداف مورد نظر را تأمین کند نیازمند بازنگری و اصلاحات اساسی است. در این رابطه، این مرکز پیشنهادهای خود را در قالب گزارش تفصیلی ارائه خواهد کرد.

